

علی الله سلیمی، نویسنده

وقتی یکی از اتاق‌های خانه رفته رفته به کتابخانه تبدیل می‌شود، فکرش را هم نمی‌کردیم روزی از این کار بشیمان شویم و مدام خود را سرزنش کنیم که چرا فکر همه جای این کار را نکرده بودیم و موقعی به خود آمدیم که دیگر کار از کار گذشته بود و به قول مریم‌السادات، سیلاب خانه را برداشته بود و کتاب‌هایی که یک عمر با زحمت بسیار جمع‌آوری کرده بودیم یک‌شبه بر باد که نه، بر آب رفته ببینیم. آن شب مجبور شدیم تنها تعداد کمی از کتاب‌ها را که از گزند آب باران در امان مانده بودند نجات دهیم و بقیه را مانند فرزندانمان که ناخواسته از دست داده‌ایم، از دست داده دیدیم و با حسرت و اندوه در گوشه‌ای جمع کردیم تا از خانه خارج کنیم. مریم‌السادات مانند مادران فرزندان دست‌داده آن شب تا صبح بی‌صدا مویه و خود را سرزنش می‌کرد که چرا این همه بی‌خیالی پیشه کرده و آن همه کتاب‌های عزیز و دوست‌داشتنی را دودستی تقدیم آب باران کرده‌است. در آن ماجرای دردناک هر دو به یک اندازه مقصر بودیم. با هم تصمیم گرفته بودیم یکی از اتاق‌های خانه را بیه کتابخانه تبدیل کنیم. خانه‌ها دو خوابه بود و ما به یکی از خواب‌ها احتیاج نداشتیم. می‌توانستیم برای روز مبادا و مهمان‌های احتمالی، آن را خالی نگه داریم یا با هر کاربری دیگری که تشخیص دادیم استفاده کتاب‌های دوست‌داشتنی‌مان که جای بسیاری از نداشت‌های‌مان در زندگی‌مان را پر کرده بودند، قفسه‌ها که پر شدند، بقیه کتاب‌ها را در گوشه و کنار اتاق روی می‌چیدیم. کوه شدند و ارتفاع بالا و بالاتر رفت. به سختی جایی برای نشستن پیدایم کردیم تا با کتاب‌ها خلوت کنیم. تعداد کتاب‌های من و مریم‌السادات روز به روز بیشتر می‌شد و جای خالی در اتاق کوچک ما که حالا سم‌نافش کتابخانه‌خانگی ما داشت، روز به روز کم و کمتر می‌شد. رفته رفته کار به جایی رسید که کتابخانه دلخواه ما در روزهای ابتدای این تصمیم شورانگیز، به انبار کتاب‌ها تبدیل شد و کمی دل‌سردمان کرد که اگر کار همین طوری پیش برود دیگر به سختی می‌شود کتاب مورد نظر را از میان کوهی از کتاب‌های روی می‌تلفاز شده پیدا کرد و آنطور که در ابتدا تصور می‌کردیم ساعتی با کتاب دلخواه خلوت کرد و از غوطه‌خوردن در میان کلمات لذت برد. گاهی با مریم‌السادات می‌آمدیم برای نظم‌دادن به انبوه کتاب‌های روی می‌تلفاز شده. نقشه می‌کشیدیم و معمولاً هم آخر سر به یک تصمیم و نتیجه دلخواه نمی‌رسیدیم و برنامه بعدی برای به سامان رساندن کار را به روز و هفته‌ای دیگر موکول می‌کردیم. در یکی از همین روزها بود که آن حرف از دهانم خارج شد و بدون اینکه به نتایج احتمالی آن فکر کرده باشم، گفتم: «حالا که راهی برای سر و سامان دادن به این همه آشفتگی در این اتاق کوچک که ذهنمان نمی‌رسد لاف‌لاقی پنجره را باز کنیم این کتاب‌های زبان‌بسته هوایی بخورند.»

مریم‌السادات هم از این حرف، نه شوخی نه جدی من، خوشش آمد و گفت: «آره، هر چند این کتاب‌ها راه‌نفس کشیدن در این اتاق کوچک کتاب‌ها را جابه‌جایی کردیم تا پنجره به راحتی باز شود. این کار را کردیم. پنجره که باز شد، نور پخش شد داخل اتاق. غبار نامرئی تالحاتی پیش‌در تونل نور به رقص درآمدند و جلوه زیبایی به اتاق و کتاب‌ها دادند. دل‌مان نیامد این زیبایی را از اتاق و کتاب‌هایی که مدت‌ها در تاریکی مانده بودند دریغ کنیم. پنجره را باز گذاشتیم و به پذیرایی گرفتیم. ساعتی بعد کاری پیش آمد که از خانه بیرون رفتیم و در خیابان بودیم که یکباره ابرهای سیاه در آسمان شهر پیدا شدند و لحظاتی بعد باران تندتری در گرفت. تابه‌خانه برسیم کار از کار گذشته بود. باران طوری اریب به داخل اتاق باریده بود که انگار ابرهای سیاه جای سقف خانه بوده‌اند. اتاق را تمیز کردیم و دوباره کتاب‌های باقی‌مانده را گوشه‌ای چیدیم و به خودمان امید و دلداری دادیم که باران همیشه اریب نمی‌بارد.



برف نو، برف نو جدی سلام سلام...

برف غیر از سوز و سرما، با شادایی هم گره خورده. همین شما، برای عروسی و تولد و... «برف شادی» نمی‌خرید که فضا سفید و رویایی شود؟ برف‌بازی از آن خاطره‌هایی است که همیشه نوبی ذهن آدم می‌ماند و هیچ‌وقت هم تکراری نمی‌شود. این روزها که برف شهر را سفید کرده، وقت لذت بردن از این موقعیت و ثبت خاطرات زمستانی است.

برف‌بازی
ساده‌ترین راه لذت بردن از برف، همین برف‌بازی است. مخصوصاً برای بچه‌ها که می‌توانند خاطره یک روز برفی را در ذهنشان بسازند و آدم بزرگ‌ها هم می‌توانند خاطرات بچگی‌شان با برف را دوباره بازسازی کنند. برای برف‌بازی و درست کردن آدم‌برفی، لازم نیست حتماً جای خاصی بروید. همین حیاط خانه هم خوب است. فقط یک جفت دستکش می‌خواهد. یک هویج برای دماغ آدم برفی و ذوق و خلاقیت. بقیه‌اش دیگر به میزان برفی که روی زمین نشسته بستگی دارد.

سرخس
بوستان‌های بزرگ و فراموشگه‌های مثل پارک ملت، پارک لاله، پارک ساعی و... در این روزهای برفی حساسی سفید و زیبای می‌شوند و جان می‌دهند برای قدم زدن و لذت بردن از سرمای مطبوع و هوای تازه. بچه‌ها هم می‌توانند در فضایی بزرگ‌تر برف‌بازی کنند. اگر هم به دنبال برف بیشتری برای بازی‌های جدی‌تر مثل توپ سواری و سر خوردن روی برف هستید، پیشنهادمان این است که سری به اطراف تهران مثل آملی یا دیزین بزنید و حتماً به یادتان باشد لباس گرم و مناسب بپوشید.

دور زدن ترافیک
معضل اصلی روزهای برفی، آن هم در شهری مثل تهران، ترافیک طولانی و خسته‌کننده آن است. برای اینکه از شر ترافیک خلاص شوید و بتوانید به گردش زمستانی‌تان در شهر برسید، پیشنهاد می‌کنیم حتماً از وسایل حمل‌ونقل عمومی استفاده کنید. اتوبوس و مترو در این روزها شما را راحت به مقصد می‌رسانند و وقتتان هم در ترافیک تلف نمی‌شود.

خیابان گردی
به غیر از فضای سبز و پارک و بوستان و طبیعت، خیابان‌های تهران هم در روزهای برفی حساسی دیدنی می‌شوند. در روز روشن، سری به خیابان ولیعصر بزنید و از زیبایی منحصر به فردش لذت ببرید. خیابان شریعتی، کوچه پس‌کوچه‌های تجریش و خیابان ایالتی و بلوار کشاورز را هم در یابید و برای اینکه با یک تیر دوش‌نشان زده باشید، سری هم به خیابان میرزای شیرازی بزنید که هم برف ببینید و هم مغازه‌هایی که آماده کرسمس شده‌اند و زرق و برقشان در این روزها خیره‌کننده است.

ثبت تصاویر
عکاسی از تهران برفی را فراموش نکنید. زمستان‌های این سال هادیگر مثل قدیم نیست که ۳ ماه برف روی زمین باشد. این چند روز برفی را غنیمت بشمارید و تا می‌توانید تصاویر زیبا ثبت کنید. همین عکس‌ها بعداً خاطره می‌شود. اگر هم حرف‌های باشید، حتی می‌توانید از عکس‌های زمستانی‌تان، یک نمایشگاه به‌گزار کنید و ذوق و سلیقه‌تان را با بقیه به اشتراک بگذارید.

عکس همشهری اسیر پانجموز

گرنیوج

مادر ناخلف



یک مادر آمریکایی در میشیگان، برای اذیت و آزار فرزندش هیچ حد و مرزی نداشته و به همین خاطر، بازداشت شده است. این مادر سنگدل که مریمی بسکتبال است، برای بیش از یک سال دختر نوجوان خود را در فضای مجازی اذیت می‌کرده و همزمان، از این مزاحمت‌ها به پلیس هم شکایت می‌کرده. او در این یک سال، روزانه حدود ۱۰ پیام در فضای مجازی به دختر ۱۲ ساله‌اش می‌داده و او را تحقیر و تهدید می‌کرده است. این دختر هم بارها به مادرش درباره این پیام‌ها گفته بود و مادرش موضوع را با پلیس در میان گذاشته بود. با این حال، او دخترش را متهتم می‌کرده که رفتار درستی ندارد و تقصیر خودش است که این پیام‌ها را دریافت می‌کرده است. در نهایت، پلیس رد این پیام‌ها را زده و این مادر ۴۲ ساله را بازداشت کرده. او با چند اتهام سنگین مواجه است. پلیس تمامی پیام‌های این مادر به دخترش را به دادگاه تحویل داده و مسئول پرونده گفته است که حجم این پیام‌ها، حدود ۴۴۹ صفحه بوده است. دادگاه ممکن است این زن را به خاطر جرمی که مرتکب شده، به ۱۰ سال زندان محکوم کند.

شهرت جهانی معبد کچ



معابد زیادی در آسیا هستند که حساسی هم سرشناس هستند اما هیچ کدام از آنها، شهرت عجیب یک معبد در تایوان را ندارد. این معبد که تا به نام دارد، تا چند سال پیش یک معبد معمولی بود اما یک اتفاق آن را به یکی از جاذبه‌های گردشگری تایوان تبدیل کرده است. در سال ۲۰۰۹ یک توفان سهمگین تایوان را در نوردید و جان صدها نفر را گرفت. این توفان چنان سهمگین بود که سبلی از گل راه انداخت و باعث رانش زمین شد. در این جابه‌جایی‌ها، تپه‌ای که این معبد در آن بوده تکان خورده و حالا این معبد، ۴۵ درجه دور خودش چرخیده است. البته فقط این مورد نیست، این معبد رنگی، در رانش زمین در سال ۲۰۰۹، حدود ۱۰۰ متر هم به پایین سر خورده است. با همه اینها معبد به‌صورت معجزه‌واری سالم مانده و حالا هر کس به تایوان می‌رود، می‌خواهد یک نگاهی به آن بیندازد. این ساختمان در خود تایوان هم مورد توجه قرار گرفته و دولت به فکر حفظ آن افتاده است.

قصه شهر

معجزه ساعی

۷۰ سال است آنها که در دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران تحصیل می‌کنند، در محوطه سرسبز دانشکده، مزار مردی را می‌بینند که اگر چه ۴۲ سال بیشتر زندگی نکرد اما در عمر کوتاه خود، یادگاری‌هایی شکوهمند از سرسبزی و طراوت طبیعت بر جای گذاشت که خاطره او را نسل اندر نسل زنده نگه خواهد داشت. «مهندس کریم ساعی» که روزگاری در دانشکده کشاورزی تحصیل می‌کرد و حالا در پناه سایه درختان کهنسال دانشکده آرمیده، پایه گذار جنگلداری علمی و نخستین مدیر جنگلبانی کشور بود. او که برای نخستین بار آمار از مساحت جنگل‌های پهنوار سراسر کشور تهیه کرد، یادگارهای زنده فراوانی هم در دل پایتخت دارد؛ پارک ساعی و درختان تناور بزرگ‌ترین خیابان خاورمیانه (ولیعصر) که به ابتکار و طراحی او ایجاد شدند. خیابانی که حالا یکی از شاخصه‌های اصلی‌اش همین درختان کهنسال هستند و بوستانی که در روزهای پاییزی و زمستانی، زیبایی‌اش دوچندان می‌شود. «دایره جنگل» به‌عنوان نخستین نهاد مدیریت جنگل‌ها در کشور



عکس همشهری امجدی سلطانی

جهان‌نما

یک جشن تولد جهانی

صدها میلیون مسیحی، سالروز ولادت حضرت عیسی (ع) را به روش‌های سنتی خودشان جشن می‌گیرند. تولد حضرت عیسی، بزرگ‌ترین جشن مذهبی مسیحیان در سراسر دنیاست و هر چند بهانه یکی است، اما روش‌های برگزاری این جشن در هر منطقه از دنیا متفاوت است. تصور عمومی از تولد حضرت مسیح، تزئین درخت کاج در شب‌های برفی و پوشیدن لباس‌های گرم با طرح‌های بابانوئل است اما خیلی‌ها در حالی کرسمس را جشن می‌گیرند که به جای سرما، شب‌های گرم و دلپذیری دارند. تفاوت اقلیم و فرهنگ و اقوام، سنت‌های دیگری را هم در این روز پدیدآورده که کمتر شناخته شده‌اند. این سنت‌های متفاوت البته در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته و بخشی از آیین جهانی کرسمس شده است. یکی از این سنت‌ها، تزئین متفاوت درخت کاج در هند است؛ مردم در مناطق گرمسیری هند، به درخت کاج دسترس نمی‌دارند و به جای آن، درخت‌هایی با تزئینات موز و آبنه علم می‌کنند. این درخت‌ها، کاربردی هستند و بعد از جشن، میوه سفره هندی‌ها را تأمین می‌کنند. در ژاپن، خوردن یک غذای مخصوص، به سنت شب کرسمس تبدیل شده است؛ مرغ سوخاری. این سنت قدمتی در حدود نیم‌قرن دارد و ژاپنی‌ها حسابی روی آن تعصب دارند. در سوئد، یکی از عجیب‌ترین سنت‌های کرسمسی جهان، هر سال راس ساعت ۳ بعدازظهر اتفاق می‌افتد: شخصیت کارتونی دونالدداک (اردک معروف)، از دهه ۱۹۵۰ پامی را با صدای خاصی که دارد به مردم سوئد می‌دهد. مردم چنان این سنت را جدی می‌گیرند که حدود نیمی از آنها قطعاً این پیام را مشاهده می‌کنند. گرم‌ترین سنت را مردم فنلاند دارند که در روز کرسمس در سوناهای خانگی شان جمع می‌شوند. سوناهای خانگی در فنلاند خیلی رایج است و تقریباً همه به آنها دسترسی دارند. یکی از همگانی‌ترین سنت‌های عجیب کرسمسی در ونزوئلا روی می‌دهد؛ مردم در شهرهای بزرگ به‌خصوص کاراکاس، پایتخت کشور، به‌صورت دسته‌جمعی با اسکیت برای مراسم به کلیسا می‌روند. این مراسم حساسی جدی گرفته می‌شود و در شهرهای بزرگ مثل کاراکاس، تردد ماشین‌ها ممنوع می‌شود.



تصویرسازی: همشهری، امجدی سلطانی

فرخاوان

بی‌تعارف و تکلف، مثل همین متن کوتاهی که می‌بینید. ما منتظریم تا نوشته‌هایتان درباره مسائل روزمره، مشکلات و دغدغه‌هایتان را برای ما ارسال کنید. اگر اهل طنز و کاریکاتور و طراحی هم هستید جایتان اینجا محفوظ است. متن یا طرح‌تان که آماده شد یک تماس با شماره ۲۳۰۲۳۶۳۶ بگیرید تا برای رساندنش به ما، راهنمایی‌تان کنیم.